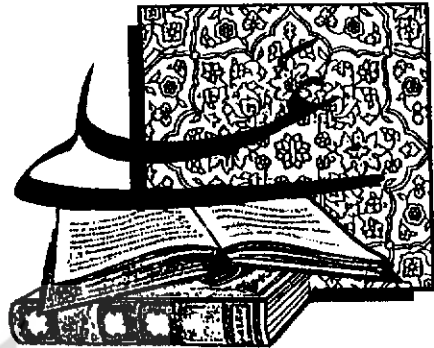


# تربیت در نهج البلاغه

خود وصی خودت باش و اگر تا حال از آن غافل بوده‌ای لااقل بازمانده عمرت را دریاب. **فَاسْتَدْرِكُوا بَيِّتَةَ آبَائِكُمْ** و مادام که روزگار و عمر در اختیار توست یا مدارا بهره‌ات را از آن بگیر: **سَاهِلِ الدَّهْرَ مَا ذَلَّ لَكَ قَمُودُهُ.**



## بیداری و حیاداری

آدمی در بینش اسلامی همه گاه در محضر خداوند است، خداوندی که به همه حرکات و رازهای انسان آگاه است. سفارش امام این است: پرده حیایی را که بین شما و خدایتان است، و از راز و اسرار شما آگاه است ندرید. **وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ.**

در گذران زندگی و عبور از راه‌های آن بیداری و هشیاری، خود اصلی غیر قابل گذشت است. در این بیداری توجه به خود و دیگران، پاسداری از وجود و گشاده دستی را از یاد نباید برد. امام در سخنی مردم را به نکات مهمی در این زمینه توجه می‌دهد: **أَسْهَرُوا عُيُونَكُمْ** چشمان خود را بیدار دارید. **وَأَضْمِرُوا بَطُونَكُمْ** شکم‌هایتان را انباشته و پرنسازید. **وَأَسْتَعْمِلُوا أَقْدَامَكُمْ** قدم‌هایتان را در راه خیر وا دارید. **وَأَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ** و از اموالتان در راه خدا انفاق کنید. **وَأَخَذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ** و جسم و پیکر خاسکی‌تان را فدای جانتان کنید. **وَلَا تَيْخَلُوا بِهَا عَنْهَا** و در این راه تنگ چشمی و بخل نداشته باشید.

## دکتر علی قائمی

### مقدمه

در زبان روز، همه گاه سخن از اعتماد به نفس است و غرض این است که آدمی در عبور از گردنه‌های سخت و دشوار زندگی باید جرئت و لیاقت و توان و امکان خود را تکیه گاه قرار داده، با انگشتان خویش گره‌های به هم بسته آن را بگشاید، و این سخنی روا و خصلتی مورد نیاز است.

اما در بینش اسلامی و در دیدگاه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - این اعتماد باید گره خورده با حول و قدرت الهی و نشأت گرفته از او باشد، که آدمی آنچه دارد از جانب اوست و همه رشته‌های سیم برقرش به کارخانه خدا وصل است. سفارش امام این است: **مَنْ وَصِيَ نَفْسِكَ.** تو

تنگی و فراخی بر اساس خط عدل و تعدیل قسمت فرمود. به عبارت دیگر در این توزیع حکمت‌ها و مصالح را مد نظر داشت.

### ضوابطی در بهره‌گیری‌ها

اما بهره‌مندی از نعمت‌های خداوندی بر اساس ضوابط و دستورالعملی است که امام به مواردی از آن‌ها اشاره فرموده است. از جمله:

۱- عدم آزمندی: در بهره‌گیری از نعمت‌ها اصل را بر این امر باید قرارداد که هرگز به خاطر به دست آوردن بهره‌ای بیش‌تر از آن نعمت‌ها نباید خود را به‌خطر انداخت. *وَلَا تُخَاطِرْ بِشَيْءٍ رِجَاءَ أَكْثَرِ مِثْلِهِ*. و هم در طلب نعمت اگر تو را اقبالی نیست و یا کالا و نعمت دنیا از تو روی برگرداند تو نیز از آن روی برگردان. *وَتَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنكَ*.

۲- عدم گناه: از نعمت خدا در راه نافرمانی او نباید سود جست که آن کمال بی‌شرمی است. امام فرمود: *أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ - أَنْ لَا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ*. کم‌تر حقی که از خداوند بر گردن دارید این است که نعمت‌هایش را ابزار گناه مسازید.

تفواداری و مراقبت از این امر که آدمی به وادی سقوط نیفتد مورد سفارش امام است. به همان‌نان به دست آمده از ممر حلال باید قناعت کرد تا خطر عذاب و دوزخی شدن برای آدمی نباشد. او به والی خود در بصره نوشت: *وَلْتَكْفِكَ أَقْرَابُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصُكَ*.

۳- سبک‌باری در نعمت: نعمت‌های خداوند

بی‌مرز و بی‌پایان است و مهم این که به علت در دسترس بودن برخی از افراد سعی دارند بیش از اندازه مورد نیاز آن را جمع‌آوری و در مخزن خود

در جریان پیش‌روی به سوی مقصود همه‌گانه این اندیشه بر آدمی باید غالب باشد که نکند در انجام وظیفه‌ای که خدا برای انسان معین فرموده قصوری پدید آید. اندوهگینی در سستی و سهل‌انگاری و ترس از مسئولیت و بازخواست الهی در سرلوحه کار بنده محبوب خداوند است. *فَاسْتَشْرَعَ الْحُزْنَ وَ تَجَلَّبَبَ الْخَوْفَ* و در هر حرکت و سیر خود فقط خدای را در نظر دارد و به او آرزو می‌بندد و تنها از گناه خویش پاک دارد. *لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ*.

### بهره‌گیری‌ها

در مدرسه زندگی اصل بر ادامه حیات، برای وصول به رشد و تکمیل و تکامل است و طبعاً شرایط و امکانات، فنون و ابزار برای وصول به مقصد تهیه شده که می‌بایست از آن‌ها به وجهی نیکو سود جست. اصل بر طلب است. آن کس که در خط طلب باشد به کل مقصد و لااقل به بخشی از آن دست خواهد یافت. *مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ - أَوْ بَعْضَهُ*.

بهره‌گیری از نعمت‌های متعدد و متنوع خدا نه تنها مورد منع نیست، بلکه مورد تأکید و سفارش است. *خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ*. از کالای دنیا آن‌چه از طریق حلال به سوی تو روی آورده بگیر، که خداوند برای هر فردی به تناسب شرایط و امکانات، بر اساس تلاش‌ها، لیاقت‌ها و گاهی محاسبات دیگری که در اندیشه ما نیاید، همانند آزمایش‌ها، کيفرده‌ها، تأییدها و... روزی معینی را در نظر گرفته است. به این سخن امام عنایت کنیم:

*... وَ قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَرَهَا وَ قَلَّلَهَا*. روزی‌ها را مقدر و آن‌ها را به تناسب کم و زیاد گردانید. و قسمت‌ها علی الضیق و السمه فعدل منها و آن را به

روز واگذاریم: **وَأَمِصْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ.**

شتابگری در آنچه خدای ما را بدان تعجیل نفرموده است سهمی بیش تر را نصیب آدمی نمی‌کند و تنها بر میزان خستگی و خطر آدمی می‌افزاید. امام در این زمینه می‌فرماید: **وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلَهُ اللَّهُ.** چیزی را که خدای در آن شتاب روا نداشته است، شتاب نکنید.

۶- سرمستی در نعمت: در این امر سخنان هشدار دهنده و درس آموزی از امام در دست داریم. او در عبارتی پندآموز فرماید: **وَلَدَهُزَّ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.** دنیا دو روز است: روزی که به نفع توست و روزی که به زیان توست. **فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرْ.** و در آن گاه که روزگار به کام و نفع توست سرمستی مکن. **وَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ.** و آن روز که به زیان توست در آن صبر و مقاومت داشته باش.

امام خود پس از ذکر نصایحی به مردم و هشداردهی‌های لازم به آنان در قالب دعایی فرماید: **سَأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ تَجْمَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا يُبْطِرُهُ نِعْمَةً.** از خدای می‌خواهیم ما و شما را از کسانی قرار دهد که نعمت سرمستشان نکند.

**وَ لَا تَقْصُرْ بِهِ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةً.** و هیچ امر و هدفی از اطاعت پروردگار بازشان ندارد. **وَ لَا تَحُلْ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَ لَا كَابَةً.** و پس از مرگ هیچ پشیمانی و رنجی بر آنان فرود نیاید.

۷- عدم آرزوی دواز: این که آدمی باید در طلب نعمت خدا، در خط بهره‌گیری بیش تر برای انجام وظیفه‌ای باشد که خداوند برای او مقرر فرموده، جای بحث و سخنی نیست اما این خطاست که آرزوها بر آدمی غالب گردند و او را از خط اعتدال

انباشته نمایند، غافل از این که اصل در بهره‌گیری از آن‌ها به میزان کفاف و وسیله قرار دادن آن‌ها در جهت رشد و وصول به مقام بندگی خداست. باید خود را سبک‌بار داشت، به ویژه که معاد و قیامت در پیش است و راه طولانی است و آدمی باید خود را به کاروان روندگان ملحق سازد. به این سخن امام عنایت کنید که فرمود:

**- فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَّاكُمْ.** پایان راه باید فراروی شما باشد.

**- وَ إِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ.** و رستاخیز از پی شما، شما را به پیش می‌رانند.

**- تَخَفَّقُوا تَلَحُّقُوا.** سبک‌بار شوید تا به پیش تازان بیبندید.

**- فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوْلِيكُمْ أَخْرُكُمْ** چرا که اولین فرد این کاروان آخرین فردتان را چشم به راه ماند.

۴- استفاده از حلال: به دست آوردن نعمت‌های خداوند هم از راه حلال و مشروع میسر است و هم از راه حرام. ولی فراموش نکنیم که از ما خواسته‌اند در راه کسب مشروع آن باشیم و از آن چه حرام و حتی مشتببه است بپرهیزیم. امام در نامه خود به عثمان بن حنیف می‌نویسد:

**فَمَا شُبِّهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْرَةُ.** پس هر آنچه را که راه فراهم آمدنش را نمی‌دانی به دور افکن. **وَ مَا أُيُنْتَهَى بِطَيْبٍ وَجْهَهُ فَتَلَّ مِنْهُ.** و تنها به خوردن همان بسنده کن که پاکیزگی همه سویه‌اش را به یقین می‌دانی.

۵- عدم شتاب: در بهره‌گیری از نعمت‌ها و اصولاً در انجام وظیفه‌ای که خداوند برای انسان معین کرده هر روز را برنامه‌ای و در آن وظیفه‌ای است. اصل این است که کار هر روز را به همان



الدَّيْتَةُ. مرگ آری، پستی هرگز. و این امر حکایت از آن دارد که آدمی در راه کسب نعمت، ذلت و خواری را نباید پذیرا گردد.

وَالثَّقَلُ وَاللَّثْوَسُلُ. تنگ‌دستی، آری، ولی به دامن هر کس و ناکس متوسل شدن، هرگز.

الرَّجَاءُ مَعَ الْجَائِئِ وَالْبَأْسُ مَعَ الْمَاضِي. باید به چیزهایی امید بست که در راه است و از آن‌چه در گذشته بود نومید شد.

وَلَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زُوِيَ عَنْكُمْ. بر چیزی از این مال و منال دنیوی که شما را از دست رفت، تأسف مخورید.

وَلَيْكُنْ شُرُوكَ بِمَا قَدَّمْتَ. باید بر آن‌چه از این دنیا پیش می‌فرستی شادمان شوی.

وَأَسْفَكَ عَلَى مَا خَلَقْتَ. و بر آن‌چه بر جای می‌نهی متأسف باشی.

وَهُنَّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. و فراسوی زندگی این جهان راهت گماری.

بیرون رانند. سفارش امام این است که حتماً آرزوی بی حساب بر آدمی سلطه پیدا نکند: وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ.

او در عبارتی هشدار دهنده آدمی را از دو چیز می‌ترساند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: ای مردم دو چیز است که بیش از هر چیز از ابتلای شما بدان‌ها نگران و بیمناکم. إِتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ. یکی پیروی از هوای نفس است و دیگری آرزوی دور و دراز.

فَأَمَّا تَبِيعَ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ. اما پیروی از هوس‌ها مانع و حجابی است که آدمی را از حق باز می‌دارد. وَا مَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيَنسِي الْأَجْرَةَ. و اما آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می‌سپارد.

#### ۸- دیگر نکات

چه بسیاری نکات درس آموز دیگری که امام علی - علیه السلام - افراد را بدان هشدار داده، راز نیل به سعادت و بهره‌گیری از مواهب الهی را در قالب آن عرضه داشته‌اند، از جمله فرمود: أَلْمِيَّةُ وَلَا